

فرشته ی سلاه



به نام خدا
فرشته ی سلام

یکی بود یکی نبود، غیر از فدای مهربان هیچ کس نبود. فطرس فرشته بود. فرشته ای زیبا از فرشتگان محبوب خداوند. او با بال های بزرگش همیشه در آسمان خدا پرواز می کرد. تا این که آن روز فرا رسید. هیچ کس نمی دانست، فطرس آن روز مرتکب چه گناهی شد که خداوند از او دل گیر شد.



فطرس تسلیم فرمان خداوند بود و منتظر ماند تا ببیند خداوند چه دستوری درباره اش می دهد. فرشتگان همه درباره ی گناهان فطرس با هم صحبت می کردند گروهی می گفتند که او در انجام دستورات خداوند کوتاهی کرده و آن را با تأخیر انجام داده است و گروهی دیگر می گفتند فطرس دچار شک یا غرور شده است، ولی کسی از اصل ما را خبر نداشت.

همه می دیدند که فطرس ساکت است و از کار خودش پشیمان می باشد.

پروردگار به فطرس اجازه فرمود که فودش بین این که در دنیا تنبیه شود یا در آخرت انتفاب کند. فطرس بدون مکث تنبیه در دنیا را قبول کرد. فرشته‌ی بال آبی از او پرسید: چرا عذاب دنیا را قبول کردی؟ بهتر نبود که دیر تر تنبیه می شدی؟

فطرس جواب داد: نه، چون عذاب در دنیا موقتی است و من به لطف و مهربانی خداوند ایمان دارم. مطمئن هستم که او در دنیا مرا خواهد بخشید. تنها ابلیس و دوستانش عذاب قیامت را انتفاب می کنند. به دستور خداوند فطرس به همراه گروهی از فرشتگان به زمین فرستاده شد. او مجبور بود در جزیره ای میان اقیانوس زندانی شود. جزیره ای که اطرافش با دود پوشیده شده بود.



فرشتگان شاه پره‌ای بال هایش را کردند و او را در حالی ترک نمودند که از شدت نارامتی و پشیمانی گریه می کرد. یکی از فرشتگان که دلش برای فطرس سوخته بود آرام به او گفت: فطرس هرگز ناامید نشو و به درگاه خدا توبه کن. چرا که در عرش شنیدم که می گفتند آزادی فطرس در تولد کودکی است که در سال های دور در شهری به نام مدینه به دنیا خواهد آمد.

فطرس از او تشکر کرد و به عبادت و توبه مشغول شد. سال ها گذشت، فطرس بی آن که ناامید شود شب و روز عبادت می کرد و انتظار می کشید، تا این که در یک شب جمعه فطرس متوجه تغییری در آسمان ها شد. نور سبز رنگی از سمت آسمان به زمین می آمد. هزاران فرشته به همراه هزاران ملائکه در حالی که در دست هایشان ظرف های نور و میوه های بهشتی بود به سوی زمین می آمدند.

فطرس فهمید که اتفاق مهمی افتاده است. صدای پر فرشتگان آسمان را پر کرده بود. فطرس صدای پر جبرئیل فرشته ی مخصوص خداوند را از میان آن ها شنافت. فطرس به جبرئیل سلام کرد و پرسید : امشب چه شبی است ؟ آیا روز قیامت فرارسیده ؟

جبرئیل که فطرس را می شنافت گفت: نه فطرس، دفتر رسول خدا سلام الله علیها پسری به دنیا آورده اند که تمام امامان تا روز قیامت از فرزندان او خواهند بود. ما برای تبریک به نزد رسول خدا صلی الله وعلیه واله و سلم می رویم.

فطرس با التماس به جبرئیل گفت : ای جبرئیل، تو را به فدایی که ما را آفرید سوگند می دهم سلام مرا به رسول خدا صلی الله وعلیه واله و سلم برسان و از او بخواه تا واسطه شود تا خداوند متعال مرا ببخشند و بال ها و مقام من را در میان فرشتگان به من بازگردانند.

جبرئیل که ماجرای فطرس را می دانست گفت : فطرس بر بال های من سوار شو تا تو را به نزد رسول خدا ببرم. فطرس در حالی که بر بال های جبرئیل سوار بود هنوز به درگاه خداوند گریه می کرد و از او تقاضای بخشش می نمود.

به فانه ی نورانی پیامبر رسیدند. فطرس نگران بیرون فانه ایستاد و جبرئیل امین داخل شد. کمی بعد جبرئیل فطرس را صدا کرد و گفت : من درباره ی تو با رسول خدا صلی الله وعلیه واله و سلم صحبت کردم . ایشان فرمودند داخل شوی. چون تنها این نوزاد می تواند تو را به آرزویت برساند. فطرس داخل شد، رسول خدا صلی الله وعلیه واله و سلم او را صدا زدند و فرمودند: آزادی تو در دست این کودک است . خودت را در کنار گهواره اش پناه بده . که عشق او مرهم همه ی بال و پر شکستگان است.

فطرس به گهواره نزدیک شد گویا به دنیایی از نور وارد می شد. پشمانش را بست و زمانی که آن ها را از هم گشود بفشوده شده بود و بال هایش به همان عظمت و زیبایی گذشته بر روی شانه هایش بودند فریاد زد : من بفشیده شدم . من بال و پر دارم. این کودک در گهواره کیست؟

پیامبر پاسخ دادند: این کودک میوه ی دل من مسین علیه السلام است.

فطرس گفت: گواهی می دهم که شما خانواده ی بزرگ از هر نوری بالاتر هستید و اگر نور شما آفریده نمی شد فورشید، آسمان و زمین نیز نبود.

پس سرش را بالا آورد و به پیامبر اکرم صلی الله و علیه و سلم گفت: از شما یک فواهدش دیگر نیز دارم به من اجازه بدهید تا دنیا برپاست هرکس، هر کجا و در هر زمان به مسین علیه السلام سلام کرد من فوراً سلام آن شخص را به مضرت برسانم.

از آن روز فطرس بالاتر از همیشه در آسمان پرواز می کند و خود را فرشته ی سلام می نامد و می گوید: چه کسی مثل من آزاد شده ی مسین علیه السلام است؟ من آزاد شده ی فرزند ممد صلی الله علیه و آله وسلم. فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام هستم و سلام و صلوات و زیارت زائرینش را به ایشان می رسانم. سلام بر مسین علیه السلام



KhetabeGhadir.com